

## فصلنامه محیط راهبردی

سال پنجم، شماره ۱۴، بهار ۱۴۰۰

مقاله پژوهشی، صفحه ۳۵ تا ۶۸

## جایگاه خاورمیانه در سیاست دفاعی - امنیتی فرانسه

فرهاد فروغی<sup>۱</sup>

بذیرش مقاله: ۱۱۳۹۹/۱۲/۱۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۰۴

### چکیده

فرانسه به‌عنوان یکی از قدرت‌های اقتصادی و نظامی جهان، کشوری مداخله‌گر است. این کشور عملیات نظامی زیادی در خارج از خاک خود در آفریقا و خاورمیانه انجام داده است و توجهی خاص به امور خاورمیانه دارد. فرانسه در تلاش است تا نقشی پررنگ‌تر در این منطقه بازی کند. در این مقاله تلاش می‌شود تا با روشی توصیفی و تحلیلی و با بررسی کتاب سفید دفاع که یکی از مهم‌ترین اسناد بالادستی فرانسه در تنظیم سیاست خارجی و دفاعی این کشور است و برخی اسناد دیگر که می‌توانند مکمل آن باشند، به این پرسش‌ها پاسخ دهیم: انگیزه‌های حضور فرانسه در منطقه چیست؟ محدودیت‌های حضور فرانسه در منطقه چیست؟ فرانسه در چهارچوب کدام راهبردها می‌تواند در منطقه حضور بیابد؟ بر این اساس مقاله به سه بخش اصلی تقسیم شده است؛ ۱- نقاط حضور فرانسه در خاورمیانه، ۲- انگیزه‌های حضور فرانسه در خاورمیانه، ۳- محدودیت‌های حضور فرانسه در خاورمیانه. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین انگیزه‌های حضور فرانسه در خاورمیانه شامل حفظ امنیت انرژی، مقابله با تروریسم، حفظ امنیت مدیترانه و هم‌پیمانی با پادشاهی‌های حوزه خلیج فارس باشد. محدودیت‌های حضور فرانسه در این منطقه نیز شامل محدودیت‌های بودجه‌ای، مورد تردید بودن کارآمدی مداخله و محدودیت‌های حقوقی می‌شود. در نهایت این‌گونه نتیجه‌گیری می‌شود که فرانسه احتمالاً خارج از ائتلاف‌های بین‌المللی در این منطقه حضور نخواهد داشت. با این وجود، این کشور علاقه‌مند است در غیاب آمریکا، مانند آنچه که در لیبی و مالی اتفاق افتاد، به رهبری برخی از ائتلاف‌های بین‌المللی بپردازد.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست دفاعی و امنیتی فرانسه، کتاب سفید دفاع، مداخله‌گری، خاورمیانه، خلیج فارس، مدیترانه، تروریسم.

۱. دانش آموخته دکترای مطالعات اروپا، دانشگاه تهران. ایمیل: f.forughi@ut.ac.ir

## ۱. مقدمه

منطقه خاورمیانه به‌عنوان منطقه‌ای مهم و استراتژیک مورد توجه قدرت‌های غربی است. این قدرت‌ها چندین دهه است که سعی در نقش‌آفرینی در این منطقه داشته‌اند. مهم‌ترین دلایل حضور غربیان در منطقه خاورمیانه را می‌توان در تولید نفت و قرار گرفتن مهم‌ترین گذرگاه انرژی جهان - تنگه هرمز - در این منطقه، همسایگی با اروپا از طریق دریای مدیترانه و ... جستجو کرد.

به‌طور خاص فرانسه که از طریق دریای مدیترانه در همسایگی با این منطقه قرار می‌گیرد سعی دارد که در معادلات آن نقشی پررنگ‌تر بازی کند. این کشور به‌عنوان عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل، پنجمین قدرت اقتصادی و نظامی جهان و کشوری مداخله‌گر که در سال‌های اخیر دست به عملیات‌های متعددی در خارج از خاک خود زده، بسیار علاقه‌مند است نقش پررنگ‌تری در منطقه خاورمیانه بازی کند. انگیزه‌های فرانسه از حضور در این منطقه متفاوت است؛ حفظ امنیت انرژی، حفظ امنیت دریای مدیترانه و مقابله با تروریسم برخی از این انگیزه‌ها هستند.

فرانسه با توجه به گرایش آمریکا برای کاهش مداخله‌گری مستقیم، درصدد است تا نقش مهم‌تری را در مداخلات در این منطقه بر عهده بگیرد. بسیاری از تحلیلگران فرانسه معتقدند که شرایط پیش‌آمده در عملیات‌های مالی و لیبی که در غیاب آمریکا و با هدایت فرانسه انجام گرفته‌اند، در آینده نیز، در صورتی که منافع آمریکا به‌طور مستقیم درگیر نشود، قابل تکرار است. البته نمی‌توان از نظر دور داشت که در منطقه خاورمیانه، همچنان این ایالات متحده است که ابتکار عمل را در دست دارد و امکان فرماندهی برای کشورهای دیگر در این منطقه کمتر است تا در دیگر مناطق.

بدیهی است که هرگونه مداخله قدرت‌های جهانی در این منطقه بر ثبات و امنیت جمهوری اسلامی ایران نیز تأثیر می‌گذارد و همچنین بدیهی است که شناخت انگیزه‌ها و امکانات قدرت‌های غربی برای مداخله در این منطقه می‌تواند ما را در جهت‌دهی سیاست خارجی خود در مقابل قدرت‌های مداخله‌گر، یاری کند.

## ۱-۱. پرسش‌های اصلی

در این مقاله به بررسی ابعاد حضور فرانسه در منطقه پرداخته می‌شود و در ادامه با استفاده از سند راهبردی -دفاعی فرانسه با عنوان «کتاب سفید دفاع»، اسناد مکمل آن و تحولات منطقه تلاش می‌کنیم تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

۱. کدام انگیزه‌ها موجب اهمیت یافتن خاورمیانه در سیاست امنیتی و دفاعی فرانسه می‌شود؟

۲. فرانسه در چهارچوب کدام راهبرد می‌تواند در این منطقه حضور داشته باشد؟

۳. چشم‌انداز حضور فرانسه در منطقه چگونه است؟

به‌منظور پاسخگویی به این پرسش‌ها، یکی از مهم‌ترین اسنادی که باید مورد توجه قرار گیرد، کتاب سفید دفاع است. کتاب سفید دفاع، سندی بالادستی برای برنامه‌ریزی دفاعی فرانسه است. تاکنون چهار سند با عنوان کتاب سفید دفاع در سال‌های ۱۹۷۲، ۱۹۸۴، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۳ منتشر شده است که در این مقاله از آخرین کتاب سفید منتشر شده در سال ۲۰۱۳ استفاده می‌شود. اگرچه از سال ۲۰۱۳ تاکنون صحنه جهانی شاهد تحولات بسیاری بوده است، اما جریان این تحولات نشان می‌دهد که خطوط و مسائل اصلی در راهبرد دفاعی-امنیتی فرانسه، به غیر از برخی بخش‌ها، مانند بخش‌هایی که مربوط به مسئله هسته‌ای و برنامه موشکی ایران است، احتمالاً چندان دستخوش تغییر نخواهند شد. ضمن اینکه مطابق آنچه در کتاب سفید آمده است این کتاب افقی بلندمدت، یعنی ۱۵ ساله دارد و کتاب سفید بعدی تنها به تکمیل و گسترش کتاب سفید حاضر خواهد پرداخت. علاوه بر این می‌توان ملاحظه کرد که مسائلی مانند بودجه دفاعی، دفاع اروپایی، امنیت مدیترانه و خلیج فارس، مسائل تروریسم و مهاجرت، کاهش نقش آفرینی آمریکا و... همچنان پابرجاست.

در این مقاله تلاش خواهد شد خطوط اصلی سیاست دفاعی فرانسه در خاورمیانه بر اساس کتاب سفید دفاع مورد کاوش قرار گیرد و تحولات آن در چند سال اخیر بررسی شود. در قسمت اول به ابعاد و چهارچوب‌های مداخله‌گری فرانسه پرداخته می‌شود و در قسمت دوم تلاش می‌شود تا انگیزه‌های فرانسه را برای حضور در منطقه مورد کاوش قرار

دهیم و در نهایت به امکانات و محدودیت‌های فرانسه برای حضور در منطقه می‌پردازیم. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است و تلاش می‌شود با بررسی اسناد رسمی منتشرشده از سوی فرانسه، انگیزه‌ها و امکانات این کشور و تحولات مربوط به حضور آن در منطقه، به پرسش‌های مطرح‌شده پاسخ داده شود.

## ۲-۱. پیشینه تحقیق

لازم به ذکر است که در مورد رویکرد فرانسه نسبت به خاورمیانه تاکنون مقاله «رویکرد فرانسه به خاورمیانه» از دکتر پیروز ایزدی (ایزدی، ۱۳۸۷: ۹۴-۸۱) به چاپ رسیده است. این مقاله با توجه به تاریخ آن، رویکرد نوین فرانسه در منطقه را که جستجوی نقش پررنگ‌تر با توجه به کاهش نقش آمریکا باشد، نادیده می‌گیرد و بیشتر به آتلانتیک‌گرایی در دوره ریاست جمهوری سارکوزی می‌پردازد. همچنین از وی مقاله «سیاست خارجی فرانسه در قبال خاورمیانه و شمال آفریقا» (ایزدی، ۱۳۹۵: ۱۸۶-۱۵۷) نیز منتشر شده است. این مقاله به موضوع پیش‌گفته به شکل مفصل پرداخته و این‌گونه نتیجه‌گیری کرده که فرانسه درصدد است تا نقش خود را از یک قدرت مشارکت‌کننده در مداخلات به یک قدرت بزرگ مداخله‌گر تغییر دهد. مقاله به جنبه‌های مختلف اقتصادی و امنیتی حضور فرانسه در منطقه خاورمیانه پرداخته است. با این حال این مقاله، بیشتر بر جنبه‌های سیاسی و روابط دیپلماتیک متمرکز است. همچنین مقاله دیگری نیز از علیرضا ملاقدیمی، با عنوان «بن‌بست‌های نظری در بازنگری سیاست عربی فرانسه» (ملاقدمی، ۱۳۸۷: ۱۷۲-۱۵۱) به چاپ رسیده است. این مقاله نیز بیشتر به مسائل سیاسی و دیپلماتیک پرداخته است و با توجه به تاریخ آن بیشتر به مسئله تغییر سیاست عربی فرانسه در دوران سارکوزی توجه نشان داده است.

## ۳-۱. پیشینه حضور فرانسه در منطقه

تاریخ برخورد مردم خاورمیانه و فرانسه تاریخی بسیار طولانی است؛ اما تا جایی که این روابط در سطح روابط بین‌الملل و برخوردهای نظامی مربوط می‌شود، می‌توان ریشه‌های آن

را در قرون وسطی جستجو کرد. نخستین بار، در طول جنگ‌های صلیبی در قرن سیزدهم میلادی، لویی نهم، مشهور به سنت لویی، تلاش کرد در لبنان مسیحیت را ترویج کند. حاصل این تلاش به وجود آمدن گروهی از مسیحیان در لبنان بود که به مسیحیان مارونی شهرت یافتند. از همین دوران به تدریج فئودال‌های فرانسوی به لبنان وارد شدند و حکومت‌هایی پراکنده تشکیل دادند. این فئودال‌ها تا زمان خلفای عثمانی حضور داشته و سپس بیرون رانده شدند. پس از چیره شدن ترکان عثمانی در قرن ۱۶ میلادی، بر سراسر این منطقه تا ابتدای جنگ جهانی اول، فرانسه مانند دیگر کشورهای غربی حضور چندانی در منطقه نداشت. در این دوران روابط بین کشورهای منطقه و فرانسه بیشتر به حضور تجار فرانسوی در منطقه و همین‌طور حمایت پادشاه فرانسه از مسیحیان منطقه محدود می‌شد. پادشاه فرانسه، برای حفاظت از تجار خود با دولت عثمانی وارد قرارداد کاپیتولاسیون شد و عملاً تجار خود را در خاک عثمانی در کنف حمایت قضایی و حقوقی قرار داد (امپریالیسم فرانسه در خاورمیانه، ۱۹۸۶/۱۰/۲۴).

حضور فرانسویان در ایران نیز در قالب مسیونرهای مسیحی در زمان ایلخانیان و با هدف مسیحی کردن مغولان مهاجم به ایران بوده است. پس از این، روابط ایران و فرانسه تحت تأثیر روابط عثمانی با پادشاه فرانسه قرار گرفت. تا زمان شاه‌عباس، سلسله صفویه چندان اجازه حضور به فرانسویان را نمی‌داد، اما در زمان فرانسوای اول، شاه‌عباس، به دلیل پیشنهاد میانجیگری پادشاه فرانسه میان ایران و عثمانی، امنیت مسیونرهای فرانسوی را تضمین کرد.

با این حال، به‌طور کلی تا پیش از پایان جنگ جهانی اول و قرارداد سایکس پیکو، به دلیل وجود دولت‌های نسبتاً قدرتمند در غرب آسیا (دولت‌های عثمانی و ایران)، فرانسه حضور مؤثری در این منطقه نداشت.

در زمان قاجاریه نیز که ایران صحنه کشمکش نیروهای انگلیس و روس بود، فرانسویان به دلیل مشکلات و کشمکش‌های سیاسی داخلی خود، حضور چندانی در این منطقه نداشتند. مهم‌ترین حضور فرانسویان در این دوره می‌تواند مربوط به قرارداد «فین

کنشتاین» باشد که میان ایران و فرانسه منعقد و برای مدت کوتاهی منجر به حضور مستشاران نظامی فرانسوی، تحت فرماندهی «ژنرال گاردان» در ایران شد.

در طول قرن نوزدهم نیز، با ضعیف شدن دولت عثمانی، کشورهای غربی سعی در حضور در مناطق تحت سلطه امپراتوری عثمانی کردند. برای مثال فرانسه در سال ۱۸۶۰، در حدود ۶۰۰۰ نیرو را برای محافظت از مسیحیان مارونی به لبنان اعزام کرد. در این دوران، فرانسه به تدریج از راه تجارت، در بخش‌هایی از امپراتوری عثمانی، به خصوص سوریه و لبنان، به مداخله می‌پرداخت. در سال ۱۹۱۴، ۶۰ درصد از بدهی‌های عثمانی به اروپا، در ارتباط با فرانسه بود (همان).

اما عمده حضور فرانسویان در این منطقه پس از قرارداد سایکس پیکو اتفاق افتاد. با فروپاشی امپراتوری عثمانی، بنا بر توافق سری فرانسه-بریتانیا، مشهور به قرارداد سایکس پیکو در سال ۱۹۱۶، این منطقه بین دو کشور فرانسه و بریتانیا تقسیم شد. فلسطین، عراق و اردن به انگلیس رسید و سوریه و لبنان به فرانسه.

پس از جنگ جهانی دوم، روابط فرانسه با کشورهای منطقه بیشتر تحت تأثیر استعمارزدایی از کشورهای منطقه مانند مراکش، تونس و الجزایر قرار گرفت. در این بین، جنگ الجزایر از همه طولانی‌تر شد و بیش از بقیه جنبش‌های ضد استعماری بر وجهه فرانسه تأثیر گذاشت. پس از این نیز مداخله فرانسه در جنگ کانال سوئز در سال ۱۹۵۶ و ملی شدن کانال سوئز توسط جمال عبد الناصر قرار گرفته بود.

فرانسه تا اواسط دهه ۶۰ میلادی بیشتر به سمت رژیم صهیونیستی گرایش داشت. این کشور تأمین‌کننده اصلی سلاح‌های رژیم صهیونیستی بود و نیروگاه‌های هسته‌ای رژیم صهیونیستی نیز توسط فرانسه در اختیار این کشور قرار گرفت (ایزدی، ۱۳۹۵: ۱۶۵).

با این وجود با به رسمیت شناختن دولت خودگردان فلسطینی توسط ژیسکار دستن و محکوم کردن سیاست‌های رژیم صهیونیستی در قبال اعراب، فرانسه توانست وجهه خود را بازسازی کند (همان) و روابطی که ژنرال دوگل با رهبران منطقه برقرار کرد، موسوم به «سیاست عربی» فرانسه تا مدت‌ها منافع این کشور را در منطقه حفظ می‌کرد.

در زمان ریاست‌جمهوری ژیسکار دستن، فرانسه بیش از پیش به کشورهای عرب منطقه نزدیک شد و قراردادهای تسلیحاتی مهمی را با عربستان و عراق امضا کرد. همین امر هم باعث شد در طول هشت سال جنگ ایران و عراق، فرانسه یکی از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان سلاح عراق باشد (ایزدی، ۱۳۹۵: ۱۶۶). در سال ۲۰۰۳ مخالفت ژاک شیراک با حمله نظامی آمریکا باعث شد که کشور فرانسه، وجهه‌ای بسیار مطلوب‌تر در نزد مردم منطقه پیدا کند.

اگرچه فرانسه در جنگ دوم خلیج‌فارس نیز حضور داشت، حضور جدی‌تر آن به پس از پیوستن فرانسه به شاخه نظامی ناتو، توسط سارکوزی برمی‌گردد. از این دوران به بعد، با تأسیس پایگاه نظامی فرانسه در امارات و مشارکت فرانسه در عملیات ائتلاف به رهبری آمریکا در افغانستان و همین‌طور با تغییر چهره کشورهای منطقه، نقش‌آفرینی فرانسه در کمک به «ارتش آزاد» سوریه و همین‌طور شرکت در ائتلاف‌های ضد تروریستی می‌توان از دوره جدیدی از نقش‌آفرینی فرانسه در منطقه سخن گفت که ویژگی مشخص آن تمایل فرانسه به تبدیل شدن به یک قدرت مداخله‌گر است.

## ۲. نقاط حضور فرانسه در منطقه خاورمیانه

به‌طورکلی حضور فرانسه در منطقه خاورمیانه را از دیدگاه‌های گوناگونی می‌توان مورد بررسی قرار داد. ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی می‌توانند به‌عنوان ابعاد مختلف حضور فرانسه در منطقه مورد شناسایی قرار بگیرند؛ اما در این مقاله اختصاصاً به حضور نظامی فرانسه پرداخته خواهد شد. مطابق نقشه‌های منتشرشده از حضور فرانسه در منطقه می‌توان نتیجه گرفت که:

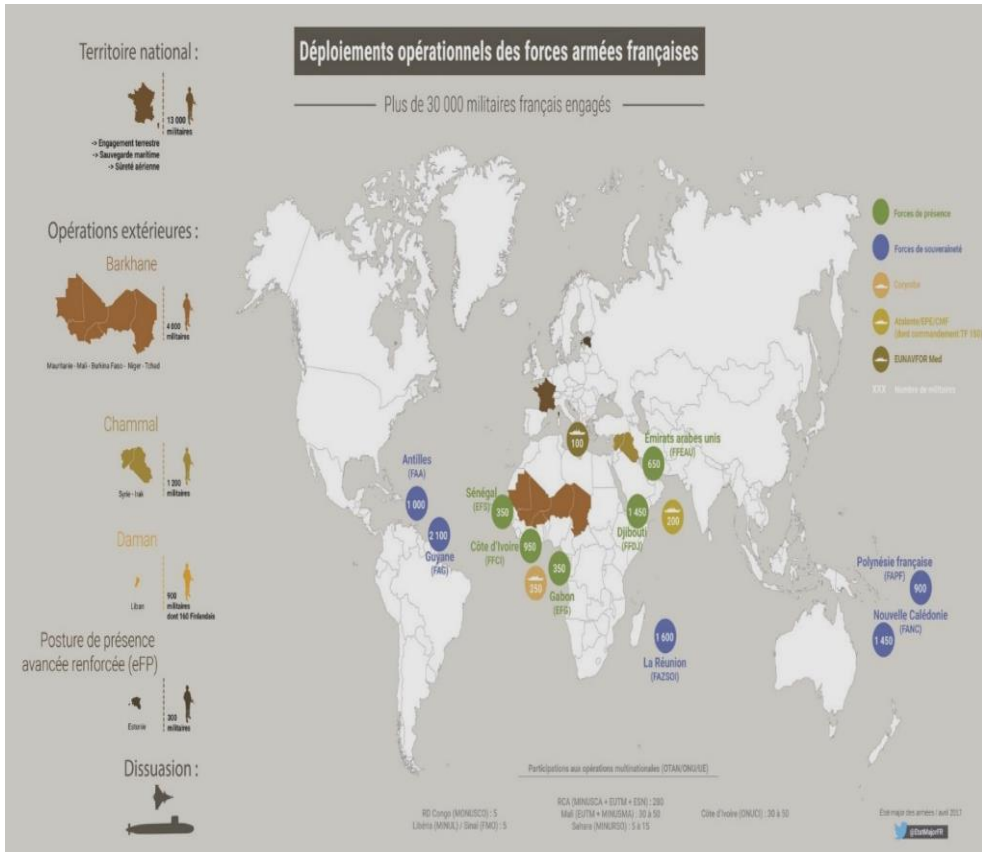
الف) بیشترین میزان حضور نظامی فرانسه در منطقه‌ای خارج از این کشور در لیبی در قالب عملیات بورخان است.

ب) حضور نظامی فرانسه در منطقه غرب آسیا در قالب دو عملیات شمال در عراق و سوریه و عملیات دمان در لبنان است. در قالب عملیات دمان، ۹۰۰ نظامی فرانسوی در

لبنان حضور دارند. عملیات شمال نیز در قالب یک عملیات مشترک، ۱۲۰۰ نیروی فرانسوی و ۱۴ هواپیمای رافال این کشور را درگیر کرده است.

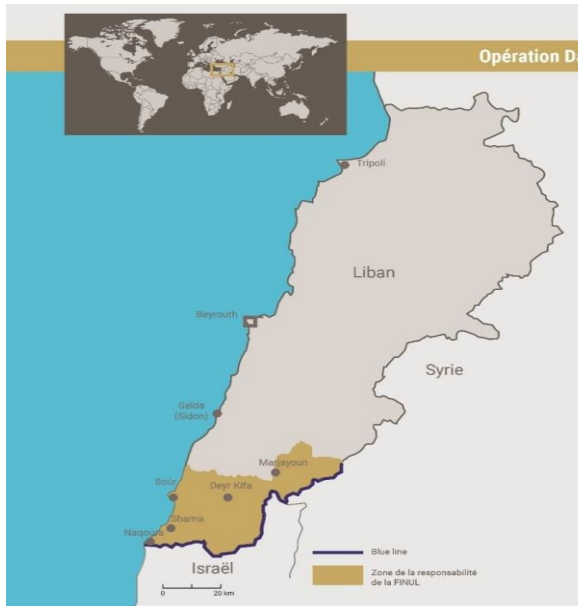
(ج) از سال ۲۰۰۹ حضور نظامی فرانسه در منطقه غرب آسیا در قالب تأسیس یک پایگاه نظامی در امارات پرننگتر و جدی تر شده است. بر اساس این گزارش در سال ۲۰۱۶، ۶۵۰ سرباز فرانسوی در این پایگاه حاضر بوده‌اند.

(د) آنچه که در این نقشه به آن اشاره نشده، ولی بسیار مهم است، آموزش‌های نظامی فرانسه به شورشیان سوری و مانورهای مشترک کشورهای عربی (به‌خصوص امارات) با ارتش فرانسه است.





### Opération Daman



**Moyens déployés :**

Force commandeur réserve «FCR»  
Deyr Kifa

- 1 compagnie d'infanterie
- 1 escadron de reconnaissance
- 1 détachement génie
- 1 section Mistral
- Soutien logistique, médical et transmissions

- 900 militaires
- 16 Véhicules blindés de combat d'infanterie
- 47 Véhicules blindés légers
- 35 Véhicules de l'avant blindés
- 4 SATCP Mistral

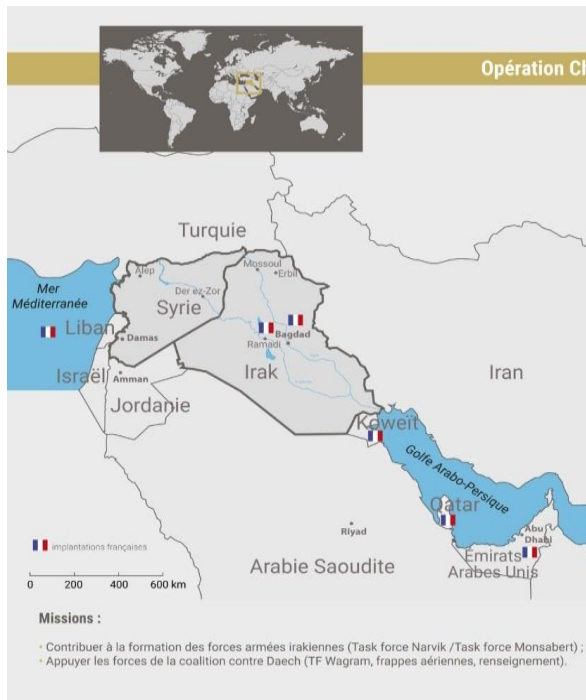
**Missions :**

- Capacité d'intervention rapide au profit de tous les contingents déployés sur l'ensemble de la zone d'action de la FINUL (cadre de la résolution 1701) ;
- Actions au profit des forces armées françaises et libanaises ;
- Formations des cadres
- Entraînements techniques et de spécialité.

Etat-major des armées / août 2016  
@EtatMajorFR

منبع: [www.defense.gouv.fr](http://www.defense.gouv.fr)

### Opération Chammal



**Moyens déployés :**

- 1 200 militaires
- 4 canons Caesar

> Avions de chasse

- 14 Rafale

> Moyens non-permanents

- 1 avion de patrouille maritime Atlantique 2
- 1 C-135 FR
- 1 E-3F AWACS
- 1 frégate

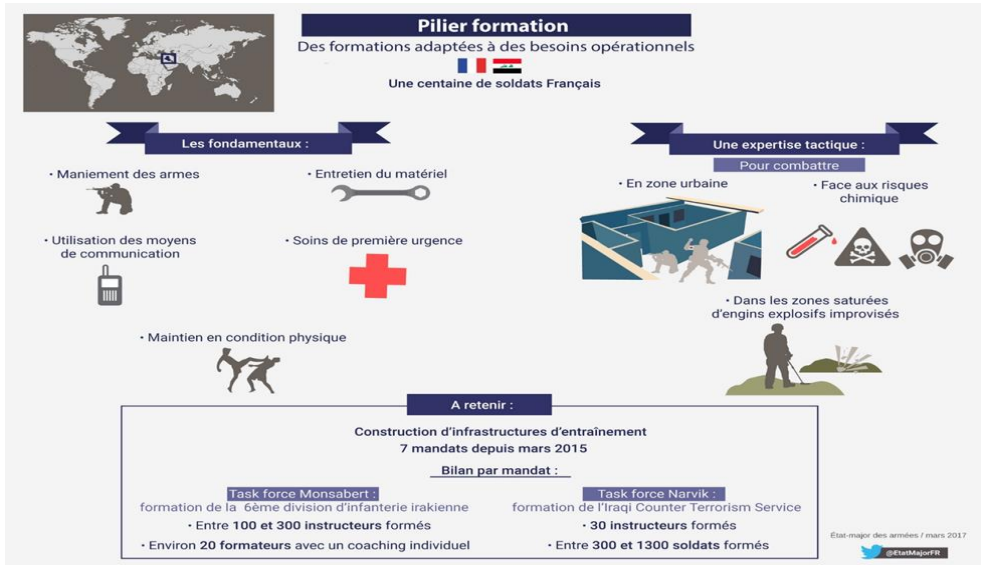
**Missions :**

- Contribuer à la formation des forces armées irakiennes (Task force Narvik / Task force Monsabert) ;
- Appuyer les forces de la coalition contre Daech (TF Wagram, frappes aériennes, renseignement).

Etat-major des armées / avril 2017  
@EtatMajorFR

منبع: [www.defense.gouv.fr](http://www.defense.gouv.fr)

البته این حضور تنها نظامی نیست بلکه جنبه‌های دیگری را نیز شامل می‌شود که شامل آموزش‌های نظامی، بهداشتی، ارتباطی و فنی نیز می‌شود. جنبه‌های مختلف این آموزش‌ها در نقشه زیر نشان داده شده است:



منبع: [www.défense.gouv.fr](http://www.défense.gouv.fr)

همچنین در نقشه زیر موقعیت پایگاه نظامی فرانسه در امارات متحده عربی نیز به دقت نمایش داده شده است:



منبع: [www.défense.gouv.fr](http://www.défense.gouv.fr)

### ۳. انگیزه‌های حضور فرانسه در خاورمیانه

فرانسه به‌عنوان عضوی از اتحادیه اروپا، از صلح و ثباتی که این اتحادیه برای کشورهای عضو خود به ارمغان آورده است بهره می‌برد. در واقع پس از جنگ جهانی دوم، با تشکیل اتحادیه فولاد و زغال‌سنگ که نخستین سنگ‌بنای صلح میان آلمان و فرانسه را گذاشت و پس از طی فرایندی ۵۰ ساله، این کشور به همراه دیگر کشورهای اروپایی به نوعی از صلح پایدار دست پیدا کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که هیچ‌کدام از کشورهای عضو اتحادیه اروپا تهدیدی را از محیط پیرامونی بلافاصله خود، در درون اتحادیه اروپا، دریافت نمی‌کنند. تهدیدات امنیتی بیشتر از خارج از مرزهای اتحادیه، از سمت مرزهای شرقی (مرز با روسیه) و دریای مدیترانه، متوجه این کشورها می‌شود. با این وجود حفظ امنیت اروپا پس از جنگ جهانی دوم، به‌صورت عمده در قالب ناتو و با نقش‌آفرینی قابل توجه آمریکا، انجام شده است. بر این اساس دفاع از مرزهای سرزمینی در مقابل قدرت تهدیدگر خارجی برای فرانسه، اولویتی فوری محسوب نمی‌شود. در چنین محیطی اولویت‌های دفاعی و امنیتی فرانسه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های عضو اتحادیه اروپا و فعال‌ترین عضو این اتحادیه در عملیات‌های خارجی ناتو، به‌گونه‌ای تعریف شده است که مداخله‌گری این کشور در خارج از مرزهای آن امکان‌پذیر شود.

اولویت‌های استراتژیک فرانسه در کتاب سفید وزارت دفاع (۲۰۱۳: ۴۷) این‌گونه تعریف

شده است:

- حفاظت از مرزهای ملی و شهروندان فرانسه و تضمین ادامه فعالیت‌های اصلی کشور؛
- تضمین امنیت اروپا و فضای شمال آتلانتیک با همکاری شرکا و متحدین نزدیک اروپایی؛
- مشارکت در تأمین امنیت خاور نزدیک و خلیج فارس؛
- مشارکت در تأمین صلح جهانی.

اگرچه از بین چهار اولویت استراتژیک دفاعی فرانسه، دو اولویت مربوط به حفظ امنیت مرزهای فرانسه و متحدین غربی این کشور می‌شود، با این وجود، دریافتی موسع از مفهوم مرزهای ملی این کشور باعث می‌شود که نوعی مشروعیت برای مداخله‌های خارجی

آن ایجاد شود. علاوه بر این، اولویت‌های سوم و چهارم به شکل مستقیم به مداخله‌گری در خارج از مرزهای فرانسه منجر می‌شوند.

بر این اساس، مناطق مهم برای فرانسه در کتاب سفید وزارت دفاع، به این ترتیب ذکر می‌شوند: «فراتر از ابزارهای لازم برای حفاظت از مرزهای ملی، فرانسه درصدد است که از قابلیت‌های نظامی که به وی اجازه می‌دهند در مناطق دارای اولویت از نظر دفاعی و امنیتی نقش بازی کند، برخوردار گردد. این مناطق شامل حاشیه اروپا، حوزه مدیترانه، بخشی از آفریقا - از ساحل تا آفریقای استوایی - خلیج فارس و دریای هند می‌شوند. این قابلیت‌ها به فرانسه اجازه خواهند داد تا سهم خود را در صلح و امنیت بین‌المللی در دیگر نقاط جهان ادا کند» (همان: ۸۲).

به‌طور کلی انگیزه‌های فرانسه از مداخله‌گری در منطقه را می‌توان در چهار دسته قرار داد: (۱) مبارزه با تروریسم؛ (۲) تأمین امنیت حوزه دریای مدیترانه؛ (۳) تأمین امنیت انرژی؛ (۴) هم‌پیمانی با پادشاهی‌های حوزه خلیج فارس.

### ۱-۳. تروریسم، جهانی‌شدن و پیچیدگی تهدیدات در کشورهای شکننده

یکی از خطراتی که در کتاب سفید بر آن تأکید شده است، گسترش سریع و پیچیده‌تر شدن بحران‌هاست که در واقع حاصل جهانی‌شدن است. در این مورد به‌طور خاص دولت‌هایی که توانایی کنترل سرزمین خود را ندارند مورد نظر نویسندگان قرار گرفته‌اند. بر این اساس «در مقابل تهدیدات و خطرات، دولت در خط مقدم دفاع و نخستین حلقه زنجیر است، اینکه این حلقه ناکارآمد یا سرکوب شده باشد باعث می‌شود که مسئله به‌زودی ابعادی جدید بیابد که چندان قابل کنترل نیست... دهه اول از قرن ۲۱ نشان داده است که نارسایی برخی از دولت‌ها در اعمال کارکردهای اساسی حاکمیتی، خود پدیده‌ای درازمدت و شایع است... برای مثال این نارسایی می‌تواند در مناطق دور از مرکز وجود داشته باشد که از کنترل قدرت مرکزی خارج هستند؛ مانند ساحل، یمن، پاکستان و افغانستان... به‌طور موازی و توسعه قاجاق از هر نوعی در سرزمین‌های دولت‌های شکننده باعث می‌شود که گروه‌های

سازنده آن کشورها، ابزارهای اقتصادی و نظامی قوی‌تری نسبت به دولت‌ها به دست بیاورند» (همان: ۴۱-۴۰).

به نظر می‌رسد بازگشت به ثبات در این گونه از کشورها برای فرانسه، با توجه به اینکه بی‌ثباتی در کشورهای خاورمیانه و حوزه مدیترانه می‌تواند تأثیری مستقیم بر امنیت فرانسه بگذارد، یک مسئله امنیتی محسوب می‌شود. در مذاکرات تدوین کتاب سفید دفاع، کلنل برونو ژوکر به این مسئله این‌گونه اشاره کرده است: «اگر امنیت می‌تواند بر قابلیت دفاعی ما تأثیر بگذارد، برعکس آن نیز قابل ملاحظه است. وقتی فرانسه در خاورمیانه و اروپای مرکزی دخالت می‌کند، بازتاب‌های آن در سرزمین ما قابل مشاهده است. برخوردهای میان جوامع ممکن است پیش بیاید... اینجا نیز امنیت و دفاع تأثیر متقابل دارند... بازگشت به ثبات در بعضی بخش‌های جهان، یک مسئله امنیتی است» (مذاکرات مربوط به کتاب سفید دفاع، ۲۰۰۸: ۹۷).

به‌طور خاص تحولات در این کشورها می‌تواند منجر به شکل‌گیری و قدرت گرفتن گروه‌های تروریستی شود. این گروه‌ها که به دور از نظارت دولت مرکزی به فعالیت می‌پردازند با استفاده از ابزارهایی مانند قاچاق انسان، آثار تاریخی، مواد مخدر و گاه حتی فروش نفت به قدرتی بیش از دولت‌های منطقه‌ای دست پیدا می‌کنند و با استفاده از ابزارهای جدید به سرعت می‌توانند حیطه عمل خود را به کشورهای اروپایی و آمریکایی نیز گسترش دهند. این‌گونه حملات در صورتی که در ابعاد وسیع انجام شوند، می‌توانند کشور مورد هدف خود را فلج کنند، در صورتی که چنین تهدیداتی با استفاده از سلاح‌های غیر متعارف مانند سلاح‌های میکروبی، بیولوژیکی و حتی هسته‌ای انجام گیرد، قابلیت تهدید آن‌ها بسیار بیشتر می‌شود (وزارت دفاع فرانسه، ۲۰۱۳: ۴۸). «در حقیقت بعد سامانمند خطرات بزرگ و ویژگی فراملی تهدیدات تقویت شده است» (همان: ۵۱).

در کتاب سفید وزارت امور خارجه نیز تروریسم تکفیری به‌عنوان بزرگ‌ترین تهدید مورد توجه قرار گرفته است. در کتاب سفید وزارت امور خارجه به سرپرستی ژوپه و شوایتزر (۲۰۰۸: ۱۵)، مهم‌ترین مناطق از این نظر کشورهایمانند «افغانستان، خاورمیانه، مغرب و ساحل» دانسته شده‌اند. در این کتاب یکی از نگرانی‌های فرانسه، اشاعه هسته‌ای و

هم‌زمان شدن آن با ترویج تروریسم تکفیری است. در صورتی که این سلاح‌ها یا قابلیت استفاده از اورانیوم ضعیف‌شده به دست گروه‌های تکفیری بیفتد، این امر تهدید بزرگی را متوجه فرانسه خواهد نمود. در ادامه نیز آمده است که در افق سال ۲۰۲۰، مسائل خاورمیانه در مرکز توجه قرار خواهد گرفت (وزارت دفاع فرانسه، ۲۰۱۳: ۱۶). قرارداد امنیتی بیست‌ساله میان فرانسه و افغانستان می‌تواند در همین راستا فهمیده شود (همان، ۳۵).

### ۲-۳. تأمین امنیت حوزه دریای مدیترانه

حوزه مدیترانه از جهات گوناگونی برای فرانسه دارای اهمیت است. این دریا مرزهای آبی کشور اروپا را با آفریقا و آسیا تشکیل می‌دهد و به‌طور مستقیم پای اروپا و به‌خصوص فرانسه را در مسائلی مانند، مسئله فلسطین و سوریه باز می‌کند. در کتاب سفید این کرانه از اروپا، استراتژیک دانسته شده است؛ به این دلیل که روابط اقتصادی، فرهنگی و انسانی با این منطقه ابعادی بی‌سابقه پیدا کرده است. علاوه بر این، منافع مشترک میان کشورهای دو سوی دریای مدیترانه نیز مورد تأکید قرار گرفته است، مسائلی مانند شهروندان دوتابعیتی، سرمایه‌گذاری و تجهیزات استراتژیک. مسائل مشترک امنیتی در مورد تروریسم، قاچاق و مسئله پناهندگان نیز از مواردی است که حفظ امنیت این دریا را برای فرانسه مهم کرده است.

در کتاب سفید وزارت دفاع (همان: ۳۲-۳۳) در مورد اهمیت مدیترانه برای کشورهای اروپایی آمده است: «به دلیل نزدیکی ژئوپلیتیک، عمق روابط انسانی و اهمیت روابط اقتصادی و انرژی که اروپا را به جنوب مدیترانه متصل می‌کند، انقلاب‌های عربی باعث ایجاد چالشی بزرگ برای اروپا شده‌اند. در طولانی‌مدت امنیت اروپا در صورتی که همسایگان مدیترانه‌ای آن دموکراتیک‌تر و مرفه‌تر باشند، بهتر تضمین می‌شود. با این وجود در کوتاه‌مدت، انتقال [قدرت] می‌تواند، عامل تنش و پدید آمدن نیروی‌های افراطی در این منطقه شود و باعث شود که افکار اروپاییان بیشتر به سمت حفظ وضع موجود کشیده شود. با این وجود کنشگران خارجی تنها تأثیری محدود بر نتایج وقایعی دارند که بیش از هر

چیز از منطقی ملی پیروی می‌کند. در غیاب دیدگاه و اصولی مشترک، هیچ قدرت، ائتلاف یا نهاد بین‌المللی، قابلیت آن را ندارد که بر تحولات جهان مسلط شود» (وزارت دفاع فرانسه، ۲۰۱۳: ۳۳-۳۲).

در زیر به جنبه‌های مختلف اهمیت این منطقه از جهان می‌پردازیم:

### ۱-۲-۳. مدیترانه؛ گذرگاه انرژی

بر مبنای آمارهای مرکز پیشگیری و مبارزه با آلودگی مالت<sup>۱</sup> (به نقل از فرمون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳: ۵-۴)، بین ۲۰ تا ۲۵ درصد از حمل‌ونقل نفتی جهان، حدوداً به میزان ۴۰۰ میلیون تن، از طریق این دریا انجام می‌شود. بر این اساس، بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کشتی نفت‌کش به‌طور سالانه از این دریا عبور می‌کنند. اگر این حجم از حمل‌ونقل نفت را در مقابل مساحت اندک این دریا (۰,۷٪ از سطح دریاها و اقیانوس‌های جهان) قرار دهیم، بیشتر متوجه اهمیت آن می‌شویم. این میزان از نفت از منابع مختلفی به سمت دریای مدیترانه روان می‌شوند. یکی از این منابع خلیج فارس است که حدود ۲۵٪ از نفت مورد نیاز اروپا را تأمین می‌کند. بخش دیگری از این نفت از آفریقا، دریای سیاه، روسیه و مدیترانه شرقی تأمین می‌شود. از سوی دیگر، سالانه در حدود ۶۶۰۰۰ کشتی از تنگه جبل‌الطارق عبور می‌کنند که دریای مدیترانه را به اقیانوس اطلس متصل می‌کند. بخش بزرگی از این نفت‌کش‌ها حامل نفت خلیج فارس هستند که به‌سوی کشورهای اروپایی در حرکت‌اند. در این جریان، بندرهای شمال دریای مدیترانه بیشتر واردکننده و بندرهای جنوبی بیشتر صادرکننده نفت، میعانات گازی و محصولات پتروشیمی هستند (همان).

می‌توان ملاحظه کرد که مدیترانه تبدیل به یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی در جهان شده است و بدیهی است که حفظ امنیت حوزه دریای مدیترانه برای غرب یکی از اولویت‌های اصلی دانسته می‌شود.

---

1. REMPEC

2. Antoine Frémont

### ۲-۲-۳. مغرب عربی؛ حوزه نفوذ سنتی فرانسه

مغرب عربی برای فرانسه اهمیت ویژه‌ای دارد، به این دلیل که این منطقه به‌طور سنتی و به‌واسطه سابقه استعماری فرانسه در آن، دارای پیوندهای تاریخی با این کشور بوده است. امروزه نیز پیوندهای فرانسه با این بخش بسیار مهم است. هم‌اکنون ۸۰٪ از عرب-فرانسویان، ۸۵٪ از فرانسه‌زبانان جهان عرب، ۸۰٪ درصد از مهاجرین منطقه به فرانسه، ۴۰٪ از مبادلات تجاری؛ یعنی ۵۰٪ بیشتر از منطقه خلیج فارس، متعلق به مغرب عربی است. علاوه بر این شش میلیون فرانسوی با یکی از سه کشور مغرب عربی ارتباط مستقیم دارند و در نهایت ۱۰۰٪ تروریست‌هایی که در این سال‌ها در فرانسه دست به عملیات زدند یا مغربی بودند و یا اصالتی مغربی داشتند (الکروئی، ۳۰ / ۲۰۱۷). امانوئل مکرون نیز در سخنرانی برای سفرای فرانسه در خارج از این کشور، اعلام کرد که مغرب عربی یکی از اولویت‌های مرکزی فرانسه خواهد بود.

### ۳-۲-۳. ترکیه؛ هم‌پیمان غرب و عضو ناتو

ترکیه نیز در این منطقه به‌عنوان عضو ناتو، هم‌پیمان غرب و فرانسه محسوب شده است. در کتاب سفید در مورد ترکیه این‌گونه آمده است: «ترکیه، عضو فعال ناتو، در امنیت منطقه، جایگاهی ویژه دارد: موقعیت جغرافیایی و تاریخ این کشور، آن را در میانه چندین منطقه استراتژیک قرار می‌دهد. عمل و تأثیر منطقه‌ای ترکیه، پویایی اقتصادی و پتانسیل صنعتی و فناورانه آن، همین‌طور میزان روابطی که با دیگر کشورهای اتحادیه اروپا، از جمله فرانسه دارد، از ترکیه یک متحد درجه اول می‌سازد» (وزارت دفاع فرانسه، ۲۰۱۳: ۵۴).

با این وجود به نظر می‌رسد که تحولات سال‌های اخیر، به‌خصوص با قدرت گرفتن بیشتر رجب طیب اردوغان در نتیجه رفراندوم قانون اساسی، کاهش آهنگ پیشرفت اقتصادی و نزدیک شدن ترکیه به روسیه و ایران در مورد مسائل منطقه‌ای، در کتاب سفید بعدی در این مورد تجدیدنظر شود.



از نظر گروه تحقیقاتی این سینا (اویسن، ۲۰۱۳: ۴۰) ترکیه که پیش از این مدلی برای دموکراسی، پیشرفت اقتصادی و ثبات محسوب می‌شد، امروزه با چالش‌های متعددی روبه‌روست؛ از جمله قدرت بازگشت حکومت فردی با قدرت گرفتن اردوغان، از سرگیری خصومت با کردهای حزب کارگران کردستان (PKK)، درگیری نظامی در سوریه برای جلوگیری از قدرت گرفتن کردها در جنوب این کشور و تهدیدات امنیتی از جانب داعش. از نظر نویسندگان این سند، فرانسه باید در روابط خود با ترکیه تجدیدنظر کند. با این وجود، به دلیل نقش پررنگ ترکیه در تمام معادلات منطقه‌ای، فرانسه باید روابط خود را با ترکیه به گونه‌ای تنظیم کند که «از آشوب‌های احتمالی که ممکن است ترکیه را درگیر کنند، اجتناب کند و به حفظ ساختار نهادی و اجتماعی مناسب برای پیوستن به اتحادیه اروپا در این کشور کمک کند و در نهایت همکاری مؤثری را با این کشور در چهارچوب روابط چندجانبه داشته باشد» (همان، ۴۰). به‌طور کلی از نظر نویسندگان این سند، ترکیه متحدی بزرگ برای فرانسه محسوب می‌شود اما می‌تواند به شکل بالقوه به‌عنوان یک منبع آشوب و برهم‌زننده معادلات در نظر گرفته شود.

#### ۴-۲-۳. مسئله فلسطین

فرانسه از دهه ۱۹۶۰ میلادی، به‌رغم روابط گسترده‌ای که با رژیم صهیونیستی داشته، در تلاش بوده است تا با موضع‌گیری‌های خود در راستای تشکیل کشور مستقل فلسطینی، وجهه خود را در نزد کشورهای عربی منطقه حفظ کند. تلاش برای تشکیل کشور مستقل فلسطینی، از همان زمان تاکنون موضع مشترک تمام رؤسای جمهور فرانسه و یکی از رئوس سیاست گلیستی در قبال جهان عرب موسوم به «سیاست عربی فرانسه» بوده است. یکی دیگر از ابعاد اهمیت مسئله فلسطین برای فرانسه، تأثیر منفی این درگیری در تشکیل اتحادیه کشورهای ساحلی دریای مدیترانه است. در واقع کاملاً دور از انتظار است که مقامات فلسطینی و رژیم صهیونیستی، بتوانند در یک اتحادیه شرکت و با یکدیگر در

مورد مسائل مختلف حوزه دریای مدیترانه به توافق دست پیدا کنند و تلاش برای یافتن راه حل در مورد مسئله فلسطین در پایان ریاست جمهوری فرانسوا اولاند و تشکیل کنفرانس صلح در پاریس شدت گرفت.

### ۳-۳. امنیت خلیج فارس

منطقه خلیج فارس نیز برای فرانسه از اهمیت زیادی برخوردار است. دلایل این اهمیت را به طور کلی بر اساس اسنادی مانند کتاب سفید وزارت دفاع و کتاب سفید وزارت امور خارجه می توان در این موارد خلاصه کرد: (۱) سی درصد از انرژی مورد نیاز جهان از تنگه هرمز می گذرد. لذا هرگونه ناآرامی در این منطقه می تواند به سرعت ابعاد اقتصادی وسیعی به خود بگیرد. (۲) فرانسه در این منطقه منافع اقتصادی بسیاری دارد. قراردادهای فروش تسلیحات و قراردادهای تجاری متعدد با کشورهایی مانند عربستان و قطر نمونه ای از این منافع است. (۳) فرانسه با کشورهای بسیاری در حاشیه خلیج فارس پیمان امنیتی و دفاعی دارد و این کشورها را به عنوان هم پیمان خود حساب می کند. در کتاب سفید وزارت امور خارجه بر حفظ و گسترش این پیمان ها تأکید شده است. (ژوپه و شوایتزر، ۲۰۰۸: ۳۳)

در کتاب سفید وزارت دفاع در مورد اهمیت خلیج فارس این گونه آمده است: «منطقه ای که شامل ساحل شرقی مدیترانه تا خلیج فارس می شود، به خودی خود یک اولویت محسوب می شود. تنش های متفاوتی که این منطقه را چندپاره کرده اند، هرکدام دارای پوشش مخصوص به خود هستند. با این وجود، این تنش ها نمی توانند جدا از یکدیگر فهمیده شوند، چراکه امنیت منطقه باید در کلیت خود فهمیده شود. خلیج [فارس] اهمیت استراتژیک ویژه ای دارد: امنیت این منطقه یک مسئله بزرگ نه تنها برای فرانسه و تمام کشورهای اروپایی بلکه برای ایالات متحده و دیگر قدرت های نوظهور جهانی است. این منطقه... خطرات مقابله متعددی را در خود جای داده که می توانند تأثیری جهانی و در سطح کره زمین داشته باشند. تنگه هرمز همچنان، نقطه ای است که ۳۰٪ از صادرات جهانی نفت از طریق آن انجام می شود» (وزارت دفاع فرانسه، ۲۰۱۳: ۵۳-۵۲).

هرگونه تنش در این منطقه، مانند آسیب رسیدن به کشتیرانی در تنگه هرمز یا مورد حمله قرار گرفتن پایگاه‌های نظامی فرانسه و آمریکا در این منطقه، یا حتی مورد حمله قرار گرفتن کشورهایی که هم‌پیمان غرب محسوب می‌شوند، برای این کشورها حساسیت‌برانگیز است. از نظر نویسندگان این سند هرگونه درگیری در منطقه خاورمیانه، از طریق آنچه که آنان «بازی‌های هم‌پیمانی» خوانده‌اند، به‌سرعت می‌تواند ابعادی وسیع‌تر به خود بگیرد (همان). در عین حال عدم ثبات و اقتدار در کشورهای این منطقه نیز می‌تواند به رشد و صدور گروه‌های تروریستی منجر شود که در کتاب سفید به‌عنوان فوری‌ترین و مهم‌ترین تهدید شناخته شده است.

#### ۳-۴. هم‌پیمانی با پادشاهی‌های حوزه خلیج فارس

فرانسه در این منطقه از طریق تفاهم‌نامه‌های امنیتی و نظامی به‌خصوص با سه کشور امارات متحده عربی، کویت و قطر مرتبط شده است و در ابوظبی یک پایگاه نظامی تأسیس کرده که هر سه نیروی دریایی، هوایی و زمینی این کشور در آن حضور دارند. علاوه بر این، کشور فرانسه مبادلات امنیتی و دفاعی بسیار زیادی نیز با بیشتر کشورهای حوزه خلیج فارس دارد. از سوی دیگر، کشورهای این منطقه، بزرگ‌ترین خریداران تسلیحات فرانسوی هستند. «بنابر اعلام وزارت دفاع فرانسه در سال ۲۰۱۳، ۴۸ درصد از کل سفارشات تسلیحات فرانسه متعلق به کشورهای خاورمیانه بوده است. در این میان عربستان سعودی با ۲۷/۵ درصد کل سفارشات (۱,۹ میلیارد یورو) در مقام اول، مراکش، امارات، قطر، عمان و الجزایر در مقام‌های بعدی قرار دارند» (ایزیدی، ۱۳۹۵: ۶۹).

اگرچه فرانسه با بسیاری از کشورهای حوزه خلیج فارس تفاهم‌نامه‌های امنیتی امضا کرده است، اما مهم‌ترین این تفاهم‌نامه‌ها میان فرانسه و امارات متحده عربی به امضا رسیده است. با این تفاهم‌نامه، فرانسه موفق شد که پایگاهی نظامی در امارات، ایجاد کرده و از این طریق حضور نظامی خود را در منطقه تثبیت کند. از سوی دیگر، فرانسه متعهد شد تا در صورت تجاوز خارجی به کشور امارات از این کشور دفاع کند (سنای فرانسه، ۲۰۱۱: ۱۳).

با این وجود تمام این منطقه در تیررس موشک‌های بالستیک ایران قرار دارد که غرب آن را تهدیدی بر ضد خود و هم‌پیمانانش حساب می‌کند. در این باره در کتاب سفید وزارت دفاع (۲۰۱۳: ۵۳) آمده است: «در صورت وقوع تنش، تهدید موشکی ایران بلافاصله تمام کشورهای منطقه و در نتیجه پایگاه‌ها و نقاط اتکای ما را در منطقه تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این شرایط قابلیت ما برای اجرایی کردن توافقاتمان با هم‌پیمانان منطقه‌ای لازم و ضروری است» (همان: ۳۸). در جایی دیگر، کتاب سفید، آنچه را که تهدید موشکی نامیده است، به شکلی گسترده‌تر تعریف می‌کند: «این افزایش خطر همچنین ناظر بر گسترش برد موشک‌هاست که از سال ۲۰۰۸ به شدت افزایش یافته است. ایران، پاکستان و کره شمالی برای بالا بردن برد موشک‌های خود تلاش کرده‌اند. هم‌اکنون، ایران دارای موشک‌های بالستیکی است که می‌توانند به خاک کشورهای عضو اتحادیه اروپا و ناتو برسند. برخی از نیروهای ما که در عملیات‌های خارجی به کار گرفته شده‌اند (لبنان و افغانستان)، بسیاری از نقاط اتکا و پایگاه‌های نظامی ما و همین‌طور کشورهای که ما از توافق‌های دفاعی با آنها پیوند داریم (امارات متحده عربی، قطر، کویت، جیبوتی)، امروز در تیررس موشک‌های کوتاه و میان‌بردی هستند که توسط بازیگران منطقه‌ای پرتاب می‌شوند» (همان). به همین دلایل است که مشارکت در تأمین امنیت خلیج فارس به‌عنوان سومین اولویت کشور فرانسه، پس از تأمین امنیت شهروندان این کشور و مشارکت در تأمین امنیت اروپا آمده است.

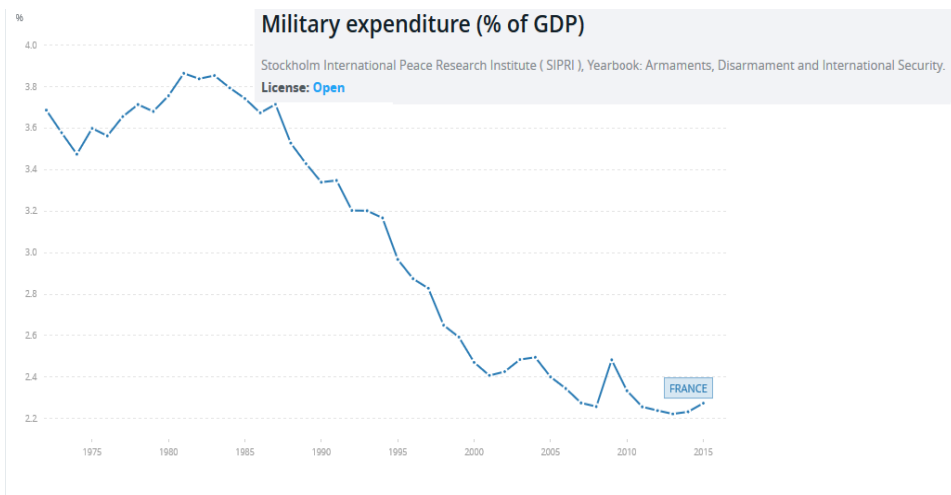
#### ۴. محدودیت‌های فرانسه برای مداخله‌گری

کتاب سفید وزارت دفاع (۲۰۱۳: ۶۱) ذیل عنوان تعهد نظامی فرانسه در چهارچوب پیمان آتلانتیک و اتحادیه اروپا تأکید می‌کند که استراتژی دفاعی و امنیتی ملی خارج از این دو چهارچوب طراحی نمی‌شود و سپس بیان می‌کند که از بین سه گزینه ممکن در طراحی استراتژی دفاعی و امنیتی کشور؛ یعنی معطوف شدن به امنیت و منافع خود و عدم مسئولیت جهانی و منطقه‌ای، یا سپردن دفاع از امنیت فرانسه به ایالات متحده و پیمان آتلانتیک شمالی یا دفاع منسجم اروپایی، فرانسه گزینه سوم را انتخاب می‌کند.

با این حال پس از آغاز بحران اقتصادی، کشورهای غربی بخشی از قدرت مداخله‌گری خود را از دست داده‌اند و امکانات عمل آنان محدود شده است. در کتاب سفید وزارت امور خارجه فرانسه گفته شده است که «با وجود ضرورت وجود یک شبکه قوی و افزایش کمک‌های مالی بین‌المللی که دو شرط اساسی حضور فرانسه در جهان است، ابزارهای عمل فرانسه و مداخله آن به شکلی مستمر کاهش می‌یابد» (ژوپه و شوایتزر، ۲۰۰۸: ۷). در کتاب سفید وزارت دفاع نیز به محدودیت‌های مالی که در راه مداخله‌گری وجود دارد، اشاره شده است. به‌طور عمده می‌توان محدودیت‌های فرانسه را در مداخله‌گری در خارج از مرزهای این کشور در چهار عامل دانست: ۱) کاهش بودجه نظامی این کشور در نتیجه رکود اقتصادی، ۲) ضعف در سیاست دفاعی-امنیتی واحد اروپا، ۳) شرایط پیچیده منطقه و عدم اطمینان از نتایج مداخله‌گری، ۴) محدودیت‌های حقوقی.

#### ۱-۴. کاهش بودجه دفاعی

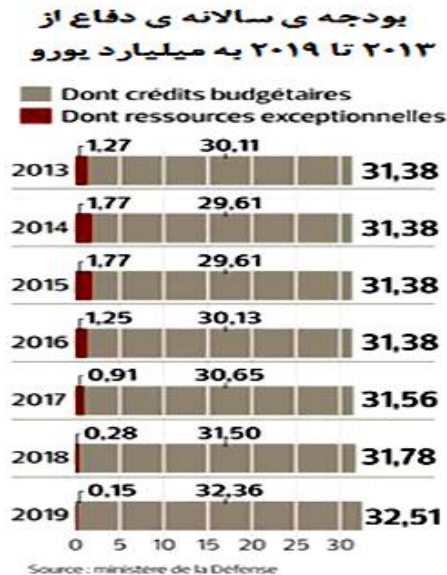
اگرچه فرانسه در طول سال‌های اخیر تمایل به افزایش بودجه نظامی خود داشته است، اما به‌طور کلی سهم بودجه نظامی این کشور از کل مخارج دولتی رو به کاهش بوده است. مطابق گزارش بانک جهانی، سهم بودجه دفاعی فرانسه از کل تولید ناخالص داخلی این کشور از ۳،۳۴٪ در سال ۱۹۹۰ به حدود ۲،۲٪ در سال ۲۰۱۵ رسیده است.



منبع: بانک جهانی، به نقل از موسسه صلح بین‌الملل استکهلم (<https://data.worldbank.org/>)

اگرچه امانوئل مکرون اعلام کرده است که قصد دارد بودجه دفاعی فرانسه را تا سال ۲۰۲۵ به حدود ۵۰ میلیارد یورو، برساند، با این حال، سخنان تحلیلگران نشان می‌دهد که عملی بودن این برنامه مورد تردید است؛ زیرا چنین برنامه‌ای مستلزم افزایش مرتب بودجه دفاعی فرانسه به میزان دو میلیارد یورو در سال است که تأمین آن چندان واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد (کابریول، ۲۰۱۷/۰۷/۱۸).<sup>۱</sup>

کاهش بودجه دفاعی از زمان تصویب قانون برنامه‌ریزی نظامی فرانسه برای سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۹ و کاهش ۳۰ میلیارد یورویی بودجه نظامی فرانسه برای این شش سال، پس از تصویب این قانون، آغاز شد. مطابق برنامه‌ریزی نظامی فرانسه برای سال‌های بین ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹، بودجه نظامی این کشور تا سال ۲۰۱۹ به ۳۲،۵۱ میلیارد یورو خواهد رسید. بودجه نظامی پیش‌بینی‌شده فرانسه بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ در نمودار زیر درج شده است (گیلمارد، ۲۰۱۷).<sup>۲</sup>



منبع: وزارت دفاع فرانسه، به نقل از ایران یوریکا

(<http://eurica.ir/modules/smartsection/item.php?itemid=91>)

1. Cabriol, Michel
2. Guillermand, Véronique

## ۲-۴. فرانسه و دفاع مشترک اروپایی

یکی از خطوط اصلی در کتاب سفید، تأکید بر کنشگری فرانسه در چهارچوب پیمان دفاع مشترک اروپایی و ناتو است. با اینکه احتمال کنش مستقل نیز مورد توجه قرار گرفته است، اما مشروعیت کنش در چهارچوب اتحادها باعث گرایش واضح فرانسه به این امر می‌شود. فرانسه به‌عنوان قدرتمندترین عضو اتحادیه اروپا از نظر نظامی (پس از خروج بریتانیا) احتمالاً نقش بسیار پررنگی را نیز در هرگونه دفاع مشترک اروپایی بر عهده خواهد گرفت. البته باید در نظر داشت که همچنان قدرت مانور اتحادیه اروپا به‌اندازه‌ای نیست که بتواند به‌عنوان یک بازیگر مداخله‌گر درجه اول، خود را معرفی کند. با وجود اینکه توافقات مربوط به دفاع مشترک اروپایی، چهارچوبی را برای نقش‌آفرینی بیشتر اروپا فراهم کرده است، نویسندگان کتاب سفید اذعان دارند که اروپا همچنان نمی‌تواند سهم بزرگ‌تری را در حفظ امنیت قاره اروپا بازی کند و نقش بزرگ‌تری در تحولات جهانی داشته باشد. بسیاری از کشورهای اروپا همچنان، بودجه نظامی‌ای پایین‌تر از آستانه ۱٪ درصد از تولید ناخالص داخلی دارند؛ امری که باعث می‌شود قاره اروپا حتی در حفظ امنیت خود نیز همچنان وابسته به آمریکا باشد.

از سوی دیگر هنوز هیچ توافق دقیقی در مورد نیروهای مشترک اروپایی و اولویت‌های آن بین کشورهای عضو اتحادیه وجود ندارد. با این وجود دفاع مشترک اروپایی در اولویت اتحادیه است. به‌گونه‌ای که «انتشار پنج سند رسمی مهم از سوی نهادهای اروپایی به‌ویژه کمیسیون، در عرض شش ماه گذشته - اواخر سال ۲۰۱۶ و اوایل سال ۲۰۱۷ - گواهی بر اهمیت» آن است (نک سعد الدین، سهراب، ایران یوریکا: ۱۳۹۶).

دوپویی<sup>۱</sup> و صادر<sup>۲</sup> (۲۰۰۷: ۴) معتقدند که پس از مسئله کوزوو، استقلال اتحادیه اروپا از آمریکا به‌شدت خدشه‌دار شد و تلاش برای جبران این مسئله در تلاش‌های اتحادیه اروپا برای همکاری با کشورهای حوزه مدیترانه، خود را نشان داده است. از نظر آنان، منطقه مدیترانه

یک آزمون واقعی برای میزان اطمینان‌پذیری سیاست خارجی، امنیتی و دفاعی اروپا است؛ حوزه‌ای که همچنان جزء ضعف‌های اتحادیه اروپا دانسته می‌شود. با این وجود، درگیری مستقیم اتحادیه اروپا در منطقه بسیار اندک و محدود به مأموریت‌هایی نه الزاماً نظامی می‌شود، مأموریت رفح در فلسطین<sup>۱</sup> یکی از این مأموریت‌هاست. مطابق آنچه که به‌طور رسمی اعلام شده، این مأموریت با هدف حضور یک نیروی سوم در کمک به ساخته شدن یک دولت فلسطینی آغاز شده است (وبسایت یوایم رفح، اتحادیه اروپا، بازدید ۹۶۷/۶).<sup>۲</sup> عملیات دیگر، عملیات یوپل افغانستان<sup>۳</sup> است که از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۶ به طول انجامیده و هدف آن کمک به تقویت پلیس و نیروهای نظامی افغانستان بوده است (وبسایت یوپل افغانستان، بازدید ۹۶۷/۶)<sup>۴</sup> و مأموریت سوم در عراق و با هدف آموزش نیروی پلیس عراق<sup>۵</sup> نیز از جولای ۲۰۰۳ تا دسامبر ۲۰۱۵ به طول انجامیده است (وبسایت سرویس عملیات خارجی اتحادیه اروپا، بازدید ۹۶۷/۶).<sup>۶</sup> با این حال، حضور نیروهای اروپایی در آفریقا بسیار چشمگیرتر بوده است.

بنابراین به نظر می‌رسد در شرایط کنونی، حیطة عمل فرانسه در خارج از این کشور بیشتر در ارتباط آن با ناتو و به شکل انفرادی تعریف می‌شود تا در چهارچوب دفاع مشترک اروپایی. با این وجود در افق بلندمدت نباید احتمال اضافه شدن بازیگری دیگر در صحنه مداخلات بین‌المللی را در قالب هم‌پیمانی‌های دوجانبه و چندجانبه میان اعضای اتحادیه اروپا، فراموش کرد.

### ۳-۴. پیچیدگی و پیش‌بینی‌ناپذیری معادلات منطقه

پس از مداخلات انجام‌گرفته در افغانستان و عراق در ابتدای قرن حاضر، طولانی شدن

1. EUBAM Rafah European Union Border Assistance Mission in Rafah Extended

2. <http://www.eubam-rafah.eu/en/node/5280>

3. EUPOL Afghanistan

4. <http://eeas.europa.eu/archives/csdp/missions-and-operations/eupol-afg/node/2/index.html>

5. EUJUST LEX-Iraq

6. [http://www.eeas.europa.eu/archives/csdp/missions-and-operations/eujust-lex-iraq/index\\_en.htm](http://www.eeas.europa.eu/archives/csdp/missions-and-operations/eujust-lex-iraq/index_en.htm)



جنگ و شکست نیروهای غربی در این کشورها، قدرت‌های غربی به‌طورکلی در مورد کارآمدی مداخله خارجی تردید کردند. رویکرد اوباما در خارج ساختن نیروهای آمریکایی از عراق و افغانستان حاصل این تغییر رویکرد بود. در واقع تحولات نشان دادند که پویای مؤثر در این منطقه بیش از هر چیز ناشی از تاریخ و فرهنگ بومی کشورهای منطقه است و هیچ قدرت خارجی‌ای توانایی هدایت جریان تحولات را ندارد. «کنشگران خارجی تنها تأثیری محدود بر نتایج وقایعی دارند که بیش از هر چیز از منطقی ملی پیروی می‌کنند. در غیاب دیدگاه و اصولی مشترک، هیچ قدرت، ائتلاف یا نهاد بین‌المللی قابلیت آن را ندارد که بر تحولات جهان مسلط شود» (وزارت دفاع فرانسه، ۲۰۱۳: ۳۳).

در کتاب سفید وزارت امور خارجه به محدودیت‌های موجود در مداخلات خارجی، این‌گونه اشاره شده است؛ «مؤلفه‌های قدرت نیز مورد تردید قرار گرفته‌اند. شمار پیشرفت‌های اخیر نشان از محو شدن مؤلفه نیروی نظامی دارند که نمود اعلای قدرت محسوب می‌شود. در عراق در سال ۲۰۰۳ یا در لبنان در سال ۲۰۰۶، جریان امور به این صورت اتفاق افتاد. این مشکلات بیشتر به‌خاطر غلبه درگیری‌های غیر متقارن به وجود آمده‌اند. در کوزوو، افغانستان و عراق چند هفته حضور نظامی موجب سال‌ها حضور پرهزینه شد» (ژوپه و شوابتز، ۲۰۱۳: ۲۰).

نمونه‌ای دیگر که به‌خوبی می‌تواند پیچیدگی معادلات را در منطقه خاورمیانه نشان دهد، مسائل مربوط به حوزه دریای مدیترانه است. فرانسه در طول سال‌های گذشته همواره در مسائل حوزه دریای مدیترانه، چه به‌شکلی سیاسی و چه به‌شکل نظامی، سعی در تأثیرگذاری داشته است. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به تلاش برای تأسیس سازمان «اتحاد برای مدیترانه» اشاره کرد که در سال ۲۰۰۸ و با حضور تمام اعضای اتحادیه اروپا و کشورهای حاشیه جنوبی مدیترانه (کلاً ۴۳ کشور) انجام گرفت؛ اما این اتحادیه به دلایل گوناگونی با شکست مواجه شد؛ دلایلی مانند تغییر چهره کشورهای عضو پس از بهار عربی یا مسئله فلسطین.

در حقیقت، مسائل حوزه این دریا بسیار پیچیده است. انقلاب‌های عربی باعث شد نفوذ فرانسه که به‌شکل سنتی و به دلیل نزدیکی رؤسای این کشورها به رؤسای جمهور فرانسه

شکل گرفته بود تا حد زیادی از دست برود. مسئله سوریه، این کشور را تبدیل به محل مناسبی برای پرورش گروه‌های تروریستی کرده و سیلی از مهاجرین را به سمت اروپا روانه نموده. در این کشور، اقدامات و مداخلات دولت فرانسه به دور از ایجاد ثبات و امنیت بوده است. طبق گزارش‌های منتشرشده، اولین کمک‌های فرانسه به مخالفان دولت سوریه به سال ۲۰۱۱ بازمی‌گردد (لوموند، ۲۰۱۴/۸/۲۱). به نظر می‌رسد که دولت فرانسه در همان ابتدای آغاز ناآرامی‌ها در انتظار ساقط شدن دولت سوریه بوده است. مالبرونو می‌نویسد که «اطمینان کاخ اورسه و الیزه توسط رسانه‌ها که بیشترشان «قصاب دمشق» را دفن می‌کردند تقویت شد. این رسانه نفوذ سریع گروه‌های اسلام‌گرای افراطی را در انقلاب نمی‌دید» (مالبرونو، ۲۰۱۶).

علاوه بر این مسئله فلسطین نیز بسیار دور از حل شدن به نظر می‌رسد. در این مورد، فرانسه تلاش‌های سیاسی زیادی انجام داده است، با این وجود، فرانسه به خوبی می‌داند که بیشترین وزن را در تأثیرگذاری بر این مناقشه ایالات متحده دارد (نک شاریون، ۲۰۱۷: ۱۲۰-۱۱۸). از جمله آخرین این تلاش‌ها می‌توان به گردهمایی برگزارشده در سال ۲۰۱۷ اشاره کرد که با حضور ۷۰ کشور و به‌رغم میل رژیم صهیونیستی برگزار شد؛ اما حتی این تلاش‌های حداقلی هم با مخالفت رژیم صهیونیستی و تحولات داخلی آمریکا چندان چشم‌اندازی برای ادامه یافتن ندارند (نک، رویترز، ۲۰۱۷/۲/۱۵)۲.

مسئله دیگری که مورد توجه نویسندگان کتاب سفید قرار گرفته است، آینده بهار عربی است: «نتیجه انقلابات جاری و همین‌طور آینده رژیم‌هایی که از موج انقلاب فرار کرده‌اند، اینکه این کشورها با انتقالی صلح‌آمیز، جنگ داخلی، استقرار نظام‌های افراطی یا احیای دیکتاتوری‌های نظامی متحول خواهند شد، به‌دشواری پیش‌بینی‌پذیر است» (وزارت دفاع فرانسه، ۲۰۱۳: ۲۸). البته باید در نظر داشت که این متن در سال ۲۰۱۳ نوشته شده است، اما در بسیاری از موارد همچنان چشم‌انداز تحولات، بسیار مبهم و

1. CHARILLON, Frédéric

2. <https://francais.rt.com/france/36545-intervention-militaire-syrie-regrets-francois-hollande>

پیش‌بینی دشوار است.

#### ۴-۴. مداخله در کشورهای شکننده

مداخله در کشورهای شکننده چندان هم به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. مداخله در کشورهایی که دارای حاکمیت ضعیف دانسته شده‌اند نیاز به توجیهی مشروع چه در بعد ملی و چه در بعد بین‌المللی دارد. لذا فرانسه مانند دیگر کشورهای غربی تلاش می‌کند مداخله خود را با دلایل مشروع از دیدگاه بین‌المللی، در نظر مردم خود و جامعه بین‌المللی توجیه کند. با این حال، به دست آوردن اجماع در محیط بین‌المللی با توجه به تضاربی که میان دیدگاه‌های کشورهای مختلف در مورد مداخله وجود دارد به‌سختی امکان‌پذیر است. از سوی دیگر، از دیدگاه نویسندگان کتاب سفید خلأیی حقوقی نیز در مداخلات خارجی در مواردی مانند حملات سایبری یا حملات از جانب گروه‌های تروریستی غیر دولتی از درون کشورهایی که دولت آن‌ها توان کنترل سرزمین ملی خود را ندارند، وجود دارد.

برای توجیه شکل مداخله (چه در نظر مردم فرانسه و چه در نظر مردمی که کشور آن‌ها مورد مداخله قرار گرفته است)، دولت فرانسه مداخلات خود را به عمل در چهارچوب سازمان‌های بین‌المللی محدود کرده است. در کتاب سفید آمده است «برای دستیابی به انسجام که یکی از شرایط موفقیت در مداخلات خارجی است، این مداخلات باید به انتظارهای مردمی که تحت تأثیر مداخلات قرار می‌گیرند پاسخ دهند و توسط سازمان‌هایی انجام گیرد که این مردم خود را جزئی از آن‌ها می‌دانند» (همان: ۲۱).

شکل مداخلات نیز در این موارد دستخوش تغییر شده است. محدودیت‌های به‌کارگیری مداخله نظامی کلاسیک باعث شده است که انواع دیگری از مداخله مانند عملیات‌های سریع و کنش‌های غیرمستقیم به لشگرکشی‌های سنگین و طولانی‌مدت ترجیح داده شوند. عملیات‌های هدفمند که توسط نیروهای ویژه انجام می‌شوند و حمله‌های از راه دور و در صورت لزوم حملات سایبری به دلیل انعطاف‌پذیری بیشتر می‌توانند بیشتر شوند.

به خصوص اینکه مداخله کلاسیک از نظر سیاسی روزبه‌روز دشوارتر می‌شود و کارآمدی خود را از دست می‌دهد (وزارت دفاع فرانسه، ۲۰۱۳: ۳۰).

## نتیجه‌گیری

فرانسه به‌عنوان یکی از پنج قدرت بزرگ جهانی عضو شورای امنیت، یک قدرت مداخله‌گر محسوب می‌شود. اگرچه این کشور در مقایسه با ایالات متحده آمریکا حضوری کم‌رنگ‌تر در منطقه خاورمیانه دارد، اما می‌توان ملاحظه کرد که این کشور درصدد افزایش میزان حضور خود در این منطقه است. این افزایش حضور از یک‌طرف به‌خاطر اهمیت ذاتی منطقه از نظر منابع انرژی و ثروت نهفته در آن است و از طرف دیگر به‌خاطر تأثیر مستقیمی است که تحولات در این منطقه می‌تواند بر کشور فرانسه و اتحادیه اروپا داشته باشد.

انگیزه‌های اصلی را که می‌توانند انگیزه‌های فرانسه از حضور در منطقه به‌شمار روند، در موارد زیر قابل خلاصه شدن هستند:

۱. تأثیرگذاری و حفظ امنیت حوزه دریای مدیترانه که می‌تواند تأثیری مستقیم در خاک فرانسه داشته باشد.
۲. انگیزه‌های اقتصادی، به‌خصوص در حوزه خلیج فارس، به دلیل ذخایر انرژی و ثروت کشورهای منطقه.
۳. کنترل جریان‌های تروریستی و مداخله در کشورهایی که از کنترل تمام قلمرو سرزمینی خود عاجز هستند.
۴. حفظ امنیت انرژی که موجب حضور پررنگ‌تر این کشور در خلیج فارس و تنگه هرمز شده است.

به‌طور خاص در حوزه دریای مدیترانه نفع فرانسه در روی کار آمدن دولت‌هایی نزدیک به غرب است که رفتار فرانسه در قبال سوریه می‌تواند مؤید این گرایش باشد.

در حوزه خلیج فارس نیز منافع اقتصادی باعث نزدیکی این کشور به بیشتر پادشاهی‌های نفتی حوزه خلیج فارس شده است به‌گونه‌ای که فرانسه با بیشتر این پادشاهی‌ها، قراردادهای

عظیم تجاری و امنیتی دارد.

داشتن یک پایگاه نظامی در امارات متحده عربی، باعث نزدیکی بسیار زیادی بین این دو کشور شده است، به گونه‌ای که هرگونه تهدید در مورد امارات احتمالاً با پاسخ مستقیم فرانسه نیز روبه‌رو خواهد شد.

با این حال جلوگیری از ظهور جریان‌های تروریستی و باثبات‌سازی کشورهای دارای دولت ضعیف می‌تواند باعث شود که فرانسه رفتاری محتاطانه‌تر در پیش بگیرد و از این جهت می‌توان چشم‌اندازی برای همکاری بین ایران و فرانسه نیز تصور کرد.

مداخله‌گری فرانسه تحت تأثیر نقش پررنگ‌تر آمریکا در منطقه و محدودیت‌های بودجه‌ای این کشور واقع شده است. با این وجود نباید از نظر دور داشت که طبق برنامه-ریزی‌های فرانسه، بودجه دفاعی این کشور دوباره افزایش پیدا خواهد کرد. همچنین ایالات متحده آمریکا نیز بیش از پیش بر همکاری با متحدان خود تکیه خواهد کرد. در این موارد احتمالاً جایی برای رهبری فرانسه در برخی ائتلاف‌های منطقه‌ای بازخواهد شد که نمونه آن را در مورد لیبی و مالی شاهد بوده‌ایم. در مورد سوریه نیز بسیاری از تحلیلگران فرانسوی معتقد بودند که در سال ۲۰۱۳، فرانسه می‌توانست بدون حضور ایالات متحده، رهبری ائتلافی برای حمله به سوریه را بر عهده بگیرد.

به‌طور کلی مجموعه شواهد نشان‌دهنده این است که اگرچه فرانسه تاکنون نقشی که دلخواهش بوده است را در منطقه بازی نکرده و در موارد بسیاری حتی می‌توان از شکست سیاسی فرانسه در منطقه سخن گفت، اما این کشور درصدد است تا نقش خود را در منطقه افزایش دهد و کاهش نقش رهبری ایالات متحده نیز چنین امکانی را می‌تواند برای کشورهای اروپایی به‌خصوص فرانسه و بریتانیا فراهم کند. در شکل زیر به‌صورت خلاصه انگیزه‌های فرانسه را از حضور در منطقه، محدودیت‌های پیش روی این کشور و شکل مداخله این کشور را بر اساس مقاله پیش رو نشان داده‌ایم:

## شکل مداخله

حضور محدود در سوریه - عملیات مشترک در عراق - پیمان امنیتی با افغانستان - مداخله منجر به شکست در لیبی

پیمان‌های امنیتی با کشورهای حوزه خلیج فارس - فروش تسلیحات - تأسیس پایگاه نظامی در امارات

تلاش برای حل مسئله فلسطین - مداخله محدود در سوریه - حضور در لبنان

فروش تسلیحات به پادشاهی‌های عرب - پیمان‌های امنیتی با این کشورها

## محدودیت‌ها

محدودیت حقوقی برای مداخله در کشورهای شکننده - کاهش بودجه دفاعی پس از ۲۰۰۸ - پیچیدگی مسائل منطقه

پیچیدگی مسائل حوزه دریای مدیترانه - اختلاف ایران با پادشاهی‌های عرب

پیچیدگی معادلات در کشورهای منطقه

## انگیزه‌های مداخله

مقابله با تروریسم

حفظ امنیت انرژی

حفظ امنیت مدیترانه

انگیزه اقتصادی

## فهرست منابع و مآخذ

### الف. منابع فارسی

- سعد الدین، سهراب، (۹۶۳/۱۷)، بررسی سناریوهای چهارگانه دفاع اروپایی، ایران یوریکا، بازیابی شده در ۱۰ مهرماه ۹۶. وبسایت: <http://eurica.ir/modules/smartsection/item.php?itemid=549>
- ایزدی، پیروز، (۱۳۸۷)، رویکرد فرانسه به خاورمیانه، مطالعات راهبردی جهان اسلام، تهران، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۳۵، صص ۸۱-۹۴
- ایزدی، پیروز، (۱۳۹۵)، سیاست خارجی فرانسه در قبال خاورمیانه شمال آفریقا، فصلنامه سیاست خارجی، سال هشتم، شماره چهارم، صص ۱۵۷-۱۸۶.
- ملاقلی، علیرضا، (۱۳۸۷)، بن‌بست‌های نظری در بازنگری سیاست عربی فرانسه، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و دم، شماره اول، صص ۱۷۲-۱۵۱.

### ب. منابع فرانسوی

#### ۱-ب. اسناد رسمی

- Ministère de la défense de la France (2013), Livre blanc de la défense et sécurité nationale, direction de l'information légale et administrative, Paris
- Accessible sous l'adresse : [www.iris-france.org/docs/pdf/forum/2007\\_06\\_14\\_cooperation.pdf](http://www.iris-france.org/docs/pdf/forum/2007_06_14_cooperation.pdf)
- ministère de la défense (2008), La France et l'Europe dans le monde : Livre blanc sur la politique étrangère et européenne de la France 2008 – 2020, sous la présidence de Juppé, Alain et de Schweitzer, Louis, Paris,
- GOULET, Nathalie(sans date), Rapport de la session extraordinaire 2010-2011, N 724, consulté en 20 Octobre 2017
- ODILE JACOB/LA DOCUMENTATION FRANÇAISE (2008), Défense et sécurité nationale, livre blanc, les débats, Paris
- Groupe Avicenne, Maghreb(2017), Moyen-orient, Une priorité de politique étrangère pour la France, Mars 2017, accessible sous l'adresse : [https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/rapport\\_avicenne\\_france\\_moyenorient.pdf](https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/rapport_avicenne_france_moyenorient.pdf)

#### ۲-ب. کتاب و مقالات علمی

- MALBRUNO, Georges (2016), CONTRADICTIONS FRANÇAISES AU MOYEN-ORIENT, Politique étrangère, Institut français des relations internationales (IFRI), N2, pp 75-85
- CHARILLON, Frédéric(2011), la politique étrangère de la France, documentation française, paris Antoine Frémont(2013), «Les relations maritimes de l'Europe en

Méditerranée: ouverture sur le grand large et oubli des voisins», Strates [En ligne], 15 | 2008, mis en ligne le 23 janvier 2013, Consulté le 30 septembre 2016. URL: <http://strates.revues.org/6556>

- DUPUY, Emmanuel et SADER, Karim (2007/06/14) La Politique Européenne en Méditerranée: «Plus que le libre-échange et moins que l'adhésion» - Qu'en est il aujourd'hui?, consulté en octobre 2017

### ۳-ب. مقالات خبری و تحلیلی

- POUCHARD, Alexander(27/9/2017), L'intervention militaire française en Syrie décryptée en 5 points, consulté en 20 octobre 2017  
Accessible sous l'adresse : [http://www.lemonde.fr/les-decodeurs/article/2015/09/27/5-questions-sur-les-frappes-francaises-en-syrie\\_4773838\\_4355770.html](http://www.lemonde.fr/les-decodeurs/article/2015/09/27/5-questions-sur-les-frappes-francaises-en-syrie_4773838_4355770.html)
- Reuters français (7 avril, 2017) Intervention militaire en Syrie: le temps des regrets pour François Hollande , consulté en 15 octobre 2017
- Accessible sous l'adresse : <https://francais.rt.com/france/36545-intervention-militaire-syrie-regrets-francois-hollande>
- EL KAROUI, Hakim, Le Maghreb: une priorité stratégique pour la France!, jeune Afrique, 30 août 2017
- Accessible sous l'adresse : <http://www.jeuneafrique.com/469691/politique/le-maghreb-une-priorite-strategique-pour-la-france/>
- BARTHES, Benjamin, BENSIMON, Cyril, RIOLS, Yves-Michel(2014/08/21), Comment et pourquoi la France a livré des armes aux rebelles en Syrie, Le Monde, consulté en 17 octobre 2017
- Accessible sur l'adresse: [http://www.lemonde.fr/proche-orient/article/2014/08/21/comment-paris-a-livre-des-armes-aux-rebelles-syriens\\_4475027\\_3218.html#0pBtSc7jzrGaPDpY.99](http://www.lemonde.fr/proche-orient/article/2014/08/21/comment-paris-a-livre-des-armes-aux-rebelles-syriens_4475027_3218.html#0pBtSc7jzrGaPDpY.99)
- Cabriol, Michel, Budget défense, quatre questions cruciales en suspens, la tribune, 2017/07/18 accessible sous l'adresse : <http://www.latribune.fr/entreprises-finance/industrie/aeronautique-defense/budget-defense-quatre-questions-cruciales-en-suspens-744228.html>
- Cercle Léon trotsky (1986), impérialisme français au moyen orient, accessible sous l'adresse : <https://www.lutte-ouvriere.org/documents/archives/cercle-leon-trotsky/article/1-imperialisme-francais-au-moyen>
- Guillermand, Véronique (2017), un budget de la défense, sous très haute tension, Figaro, 2017/07/19
- Accessible sou l'adresse : <http://www.lefigaro.fr/international/2017/07/19/01003-20170719ARTFIG00049-un-budget-de-la-defense-sous-tres-haute-tension.php>

### ۴-ب. وبسایتها

- <http://eeas.europa.eu/archives/csdp/missions-and-operations/eupol-afg/node/2/index.html>



- <http://www.eubam-rafah.eu/en/node/5280>
- [http://www.eeas.europa.eu/archives/csdp/missions-and-operations/eujust-lex-iraq/index\\_en.htm](http://www.eeas.europa.eu/archives/csdp/missions-and-operations/eujust-lex-iraq/index_en.htm)
- [www.défense.gouv.fr](http://www.défense.gouv.fr)
- [5-https://data.worldbank.org/indicator/MS.MIL.XPND.GD.ZS?end=2015 & locations = FR&start=1972&vie](https://data.worldbank.org/indicator/MS.MIL.XPND.GD.ZS?end=2015&locations=FR&start=1972&view=chart)
- <http://eurica.ir/modules/smartsection/item.php?itemid=91>
- [https://data.worldbank.org/indicator/MS.MIL.XPND.GD.ZS?end=2015&locations =FR&start=1972&view=chart](https://data.worldbank.org/indicator/MS.MIL.XPND.GD.ZS?end=2015&locations=FR&start=1972&view=chart)

